

گفت‌وگوی «فرهیختگان» با پروفسور «استیون گاکوگر» استاد دانشگاه سیدنی استرالیا

گذار به توسعه را نباید تک بعدی تحلیل کرد



جواد حیران‌نیا مترجم و روزنامه‌نگار

کتاب «تمدن و فرهنگ علمی» (Civilization and the Culture of Science) اثر پروفسور «استیون گاکوگر» در ژانویه سال آینده میلادی (۲۰۲۰) از سوی انتشارات دانشگاه آکسفور منتشر خواهد شد. این کتاب به بررسی علم و شکل‌گیری مدرنیته در دوره تاریخی ۱۷۹۵ تا ۱۹۳۵ می‌پردازد. استیون گاکوگر از برجسته‌ترین مورخان علم، چگونگی شکل‌گیری تمدن مدرن را در این کتاب بررسی کرده‌است. نویسنده در این اثر چگونگی ورود علم به فرهنگ معاصر را بررسی و طیف وسیعی از فرهنگ‌ها و نمونه‌های علمی را مورد توجه قرار داده‌است. گاکوگر در کتاب قریب‌الانتشارش معتقد است مسیحیت در آستانه وضع جدید ذیل علم و ارزش‌های شناختی و در حاشیه آنها قرار گرفته و نقش فعالی نداشته‌است و این خلاف دیدگاه‌های دیگری است که مدرنیته را منشعب از «ریشه‌های الهیاتی مسیحیت» می‌دانند. اما پرسش اساسی این است که حرکت ما، کشورهای در حال توسعه، به‌سوی وضع تک‌ساختی یا به‌عبارت دیگر، وضع «علمی» مدرن، آیا نباید با توجه به بحران‌های این وضع تک‌ساختی باشد؟ و آیا نباید در جست‌وجوی علاج واقعه پیش از وقوع تام و تمام آن باشیم؟ گاکوگر، دانش‌آموخته دانشگاه لندن و کمبریج و استاد بازنشسته تاریخ‌فلسفه و تاریخ علم دانشگاه سیدنی است و آثار او به زبان‌های مختلفی از جمله عربی، چینی، فرانسوی، آلمانی، ایتالیایی، پرتغالی و روسی ترجمه شده‌است.

البته فرآیندی طولانی مدت است. لب و مغز توسعه در قرن نوزدهم و بیستم این است که علم جایگاه کانونی و مرکزی در صورت‌بندی نظریات تمدنی گرفته است و البته در این مرحله، مسیحیت نقشی به‌عهده نگرفت.

فرضیه اصلی این اثر چیست؟

مسیحیت رویه واحدی در مطالعه جهان تمهید کرده و پیش‌نهاده بوده و علم مجبور بود تا خود را با این رویه منطبق کند. این یکسان‌سازی از طریق پروژه «وحدت علوم» انجام می‌شد. کتاب‌هایی -که به‌طور کلی در

این دوره تنظیم می‌شدند- اغلب موید همان تلقی پیشینی بوده و از توسعه علوم نشأت نگرفته بودند و کثرت تلقی‌ها نسبت به جهان را در نظر نمی‌گرفتند.

بحث اصلی و محوری شما در این کتاب چیست؟

ادغام شدید تمدن و علم [یعنی] تجدیدنظر در روابط علم با «اخلاق»، «اقتصاد»، «فلسفه» و «مهندسی». از این منظر «توسعه» یک موضوع تک‌بعدی یا خطی نیست، بلکه پنج موضوع اصلی [در کار بودند که] انتقال و گذار به یک «تجدد علمی» را پی‌ریزی و

نویسنده کتاب «رتوریک سیاسی در ایران»:

«برچسب‌زدن» و «تطمیع جمعی» هست، «استدلال» نه



نیست، یعنی نگاه مساله‌ساز [=طراح مساله] ندارد تا زنجیره مشکلاتی را که با آن درگیریم ببینید.

ولی جامعه که خیلی انتقادی است. شما هر جامی نشینید همه مشغول انتقاد هستند.

چهارسوقی آیا این انتقاده‌ها، انتقادهایی است که منتج به حل مساله شود؟ ما از این انتقادها جواب حل مشکلات‌مان را گرفته‌ایم؟ خیر، پس این نگاه انتقادی انگار مبنای درستی ندارد. اینکه ما نسبت به هرچیزی ایراد بگیریم، نگاه انتقادی مطلوب [و] مدنظر من نیست. من باور دارم انتقاد، سازنده است. ما مشکل زیاد داریم. زنجیره مشکلات ایجاد می‌شوند و[لی] مساله‌سازی [یعنی طرح مساله] برای آن مشکلات نداریم. [طرح مساله] لازمه‌اش داشتن یک نگاه انتقادی و داشتن علوم‌انسانی مخصوصا علوم‌انسانی بینارشته‌ای است. این پل و لینکی که بین علوم زده می‌شود ما را قادر می‌کند بتوانیم برای مشکلات راه‌حل پیدا کنیم. پیش‌فرض‌هایی به‌هیم، آزمون و خطا کنیم و درنهایت ببینیم آیا به نتیجه می‌رسیم یا خیر.

هرکس برای جامعه نسخه‌ای می‌پیچد. مثلا متخصص [در رشته فرهنگ و] ارتباطات می‌گوید «ما سواد رسانه‌ای نداریم». اما چرا در سطح کلان، مشکلات ارتباطی ما حل نمی‌شود؟

زبان چتری است که بر تمامی ارکان زندگی ما تسلط دارد. حتی بر تحلیل‌گفت‌مان هم سیطره دارد. در مشورتی با اساتید به این نتیجه رسیدیم که مفهوم رتوریک به‌عنوان امری که از دوران باستان [در کار] بوده است و فقط تطور و تغییرهایی پیدا کرده، همان چیزی است که من دنبالش هستم. رتوریک زمانی لازمه کنترل شهرها و کنترل مردم در شهرها بوده، زمان دیگری لازمه احقاق حقوق در دادگاه‌ها بوده، زمانی به بلاغت، شعر و فن هنری و زیبایی‌شناختی بدل شده؛ ولی الان در قرن ۲۰ و قرن ۲۱ به بعد، جایش کجاست. این کتاب جرقه‌اش از آنجا خورد که [متوجه شدم] ما به رتوریک به‌عنوان ابزار برای تحلیل این مسائل نیاز داریم.

سارا جوادی روزنامه‌نگار

عمومی، باید خود را مقابل این پرسش اساسی قرار دهیم که کجای کارمان می‌لنگد. چرا حرف هم را نمی‌فهمیم؟ چرا طالع گفتمان‌هایمان قمر در عقرب است؟ علم‌زبان‌شناسی چه پاسخی برای این درهم‌رفتگی گفتمانی دارد؟ رتوریک چیست و به چه کار جامعه ایرانی می‌آید؟ کورش علیانی در سومین قسمت از «چراغ مطالعه»، میزبان نویسنده‌ای بود که با کاوش در سه هزار ساعت از نطق‌های مجلس شورای اسلامی به دنبال پاسخ پرسش‌هایی از این دست گشته است. تینا چهارسوقی‌امین، دکتری زبان‌شناسی و نویسنده کتاب «رتوریک سیاسی در ایران»، گزیده‌ای از این گفت‌وگو را از نظر می‌گذارند.

|||

اگر بخواهیم عنوان کتاب «رتوریک سیاسی در ایران» را طوری بگوییم تا مردمی که زبان‌شناسی نمی‌دانند هم متوجه منظور شما بشوند، به جای رتوریک چه می‌توانیم بگذاریم؟ رتوریک به چه معناست؟

چهارسوقی رتوریک وسعت معنایی زیادی دارد و ذیل آن شاخه‌های علمی مختلفی قابل تعریف است. هیچ‌یک از معادل‌هایی که تاکنون برای این واژه پیشنهاد شده از نظر من قابل قبول نیستند. آخرین معادلی که برای رتوریک پیشنهاد داده شد، «گفتارپردازی» بود که باز هم آن جنبه‌هایی که مورد نظر من بود را پوشش نمی‌داد و فقط با یکی از کانون‌های رتوریک همپوشی داشت. به اقتباس از ارسطو، رتوریک از یک منظر علم و از یک منظر هنر است. ما در هر غایت گفتمانی به اقتناع نیاز داریم؛ به اینکه بتوانیم حرف طرف مقابل را بپذیریم. این‌پذیرش گاهی با استدلال حاصل می‌شود، گاهی با اغوا، گاهی هم به‌خاطر شخصیت ناطق است که حرفش را می‌پذیریم. اقتناع ابزارهایی دارد و اینکه از این ابزارها در چه بافتی و چطور استفاده کنیم، هنر می‌سازد. درواقع اینکه ما بتوانیم از این هنر در بافت جامعه و در ارتباطات بینافردی استفاده کنیم، علمی است که به آن می‌گویند «رتوریک». «علم به کارگیری هنر ابزارهای اقتاع» در یک سخنرانی مطلوب.

شما بررسی کرده‌اید که وقتی نماینده دولت یا قوه قضائیه به مجلس می‌آید تا صحبت کند تا با چه مکانیسمی سعی می‌کند بقیه نمایندگان را قانع کند تا با او همراهی نشوند. برای این کار چند نقطه را و درچه بازه زمانی‌ای بررسی کرده‌اید؟

چهارسوقی ما این کار را در مجلس دهم-مجلسی که بر سر کار است- انجام دادیم، به این امید که بتواند طرح مساله کرده و مشکلات موجود را درمانگری کند. با این هدف که نمایندگان حاضر در صحن با کمک ما بدانند چه نکاتی را رعایت نمی‌کنند و چه نکاتی را باید رعایت کنند تا نتیجه بهتری حاصل شود. بررسی «برنامه ریاست جمهوری»، بررسی «اعضای کابینه» و... در این بازه مورد پژوهش قرار گرفته است. برای این بررسی بیش از سه‌هزار ساعت از نطق‌های مجلس شامل: نطق‌های نقد یا دفاع از برنامه‌های کابینه، نطق‌های میان‌دستور، تذکرها و... مورد ارزیابی قرار گرفتند. کاری که حدوداً ۱۸ ماه طول کشید.

پس بررسی زبان‌شناسانه می‌تواند یک کار کاملا مهندسی، عددی و آماری باشد.

چهارسوقی بله دقیقاً، ابزارها می‌توانند دقیقاً به یک سری تحلیل داده برسند و داده‌ها به ما آمار می‌دهند. [اما] خود این‌آمار دادن [هم] یکی از فسیسطه‌های رایج در صحن مجلس است.

اگر بخواهیم تعریف کنید که داخل کتاب چه هست و روایتی از آن ارائه دهید، چه می‌گویید؟

چهارسوقی ما در جامعه مشکل زیاد داریم. چرا این مشکلات حل نمی‌شود؟ من معتقدم ذهن افراد جامعه، ذهن انتقادی

@farhikhtegandaily

۰۰۰۰

www.fdn.ir



مجموعه چهارجلدی است که طی ۲۰ سال تحقیقات تهیه شده و به تفصیل و همراه با جزئیات مستوفی این موضوع را بررسی می‌کند که چگونه در میان ارزش‌های علمی فرهنگ اروپایی، «ارزش‌های شناختی» جایگاه مرکزی و محوری پیدا کردند. درباره شکل‌گیری فرهنگ اروپایی به این شیوه کارهای دیگری وجود ندارد، اگرچه هنوز هم سوالات مهمی برای ما در این‌باره که «چگونه ارزش‌های اروپای مدرن ظهور پیدا کردند»، وجود دارد.

زمینه‌سازی کردند؛ این موضوعات به شرح ذیل هستند: تغییرات در طرز تلقی از تمدن‌سازی، فشارها برای وحدت‌بخشیدن به علوم، برآمدن نظریه حدود و محدودیت‌های فهم علمی، نظریه [تفکیک علم به] «علم کاربردی» و «علم عمومی» [یا دانش نظری عام]، و این ادعا که «علم عمومی» [یا دانش نظری غیرکاربردی] منتج از «تخیل علمی» بوده و صورت‌بندی آن تخیل است.

چه ضرورتی منجر به نوشتن این کتاب شد؟ کتاب آخرین بخش و جلد چهارم از یک

تله‌گذاری اولیه یا به‌اصطلاح «مسموم کردن چاه».

این الگوها دقیقاً باقی می‌ماند، فقط بافتی که از آن‌ها] استفاده می‌کنیم، فرق می‌کند. گاهی این بافت صحن مجلس [است]، گاهی یک مراده ساده با اعضای خانواده و گاهی یک مراده یا فروشنده در سوپرمارکت یا راننده تاکسی. ما از همان پیچیدگی‌ها ولی بومی و شخصی شده استفاده می‌کنیم.

دو فصل نتیجه‌گیری در کتاب هست. یکی همین فصل رتوریک که نتایج آن را خیلی فشرده مرور کردید. جزئیاتی دارد که خیلی جذاب است. مخصوصا که این جزئیات خیلی بصری شده‌اند، نمودار دارند. چهارسوقی: بله، مواردی هم انضمامی هستند [و] مثال و مصداق دارند.

بله. جرأت نکردم آنها را بگویم. یک فصل هم هست که نمی‌خواهم بگویم تحلیل گفتمانی کردید ولی بالاخره به مبادی تحلیل گفتمانی این ماجرا اشاره کردید. چرا این فصل به‌نوعی تمام نشده است؟

چهارسوقی جمع‌بندی آن فصل چه بود؟ ما انشقاق گفتمانی داریم. این گفتمان‌ها در تفاوت با همدیگر معنا می‌گیرند [و] یک فضای گفتمانی را برای ما می‌سازد. این تفاوت‌ها تا یک جایی بسیار خوب است. تا یک جایی باعث می‌شود هویت آن گفتمان شکل بگیرد، ولی از یک جایی به بعد وقتی به جنگ، ضدیت، تخاصم می‌رسد یا [به] غیرت‌سازی یا به تخریب یک‌دیگر می‌رسد، دیگر نمی‌تواند سازنده باشد؛ یعنی انرژی این گفتمان دارد صرف مقابله و بازتولید خودش می‌شود. اگر ما یک نقطه هدف نهایی برای فضای جامعه خودمان از نظر فرهنگی، اجتماعی یا سیاسی درنظر داریم، قطعا باید یک وحدت گفتمانی صورت بگیرد. وقتی این وحدت گفتمانی نباشد [و] گفتمان‌های متکثر مرتب با هم در جنگ باشند، تمام انرژی‌شان صرف این جنگ درونی می‌شود و نمی‌توانند به آن سازندگی و وحدت موردنیاز برسند و به جای اینکه با یک دشمن بیرونی -که بلاشک هست- مقابله کنند، با خودشان درگیر هستند. به‌خاطر همین، جمع‌بندی این فصل کامل نشده است. ما هنوز این انشقاق را داریم هنوز بین تجددگرایی و سنت‌گرایی و تمامی مواردی که ذیل آن تعریف می‌شود در درگیری هستیم.

اما هدف از رتوریک درنهایت چیست؟

چهارسوقی هدف از رتوریک این است که فضای گفت‌وگو را جابیندازیم. فضای گفت‌وگو از خانه‌های ما، از بین زوجین، از والدین و فرزند و از بین فرزندان، از فرزند و دوستانش شروع می‌شود و همچنان مقیاسش پله‌پله بالا می‌آید تا در سطح جامعه و حتی [فضای] بین‌الملل. ما می‌خواهیم فضای گفت‌وگو و گفت‌مان‌سازی شخصی را جابیندازیم.

مدعای شما این است این کتاب توان آموزش و فرهنگ‌سازی دارد؟

چهارسوقی این کتاب کلیدواژه آن را جا می‌اندازد و سیرش را ایجاد می‌کند، اما ریل‌گذاری این کتاب برای فضای رتوریک سیاسی و مجلس خواهد بود. خیر، در بحث رتوریک عمومی این کتاب نمی‌تواند آموزش‌دهنده باشد، ولی برای رتوریک عمومی، خصوصا از سال گذشته تا اوایل امسال، کارگاه‌های آموزشی بسیار زیادی برگزار کرده‌ام.

نه‌این‌تا اگر بخواهم این را برای مخاطب غیرمتخصص بگویم، خیلی از ما فریب حرف‌های خود و دیگران را می‌خوریم بدون اینکه به چیزهای عینی‌تر توجه کنیم. اگر به شیوه‌های این فریب آشنا شویم، همانقدر بازدارنده است. چهارسوقی دقیقاً همین است. با رتوریک ما دیگر به راحتی فریب [هر] حرفی را نمی‌خوریم.